

## نتایج همه پرسی درون حزب کمونیست ایران!

علی یاراحمدی

در جهان امروز شماره ۷۷ نتایج همه پرسی در مورد ماندن کومه‌له در حزب کمونیست ایران از طرف رفیق ابراهیم علیزاده به طور رسمی اعلام شد. در حدود ۱۶٪ به ماندن کومه‌له در قالب تشکیلاتی حزب رای دادند. برای هر ناظر سیاسی جای سؤال است که چرا چنین درصدی با ماندن کومه‌له در حزب مخالفند؟ همزمان سؤال دیگری مطرح میشود که یک سال و نیم پیش همین مقدار درصد تحت اسم بیرون آمدن (آوردن!!) کومه‌له از حزب، حزب را جا گذاشته و برای خود تشکیلات دیگری درست کردند، آیا این دو طیف که با هم چیزی در حدود ۲۵ درصد کل اعضای حزب را تشکیل میدادند از لحاظ نظری و فکری هم سو هستند؟ اگر نه تفاوت‌هایشان چیست؟ تفاوت فکری افرادی که به ماندن حزب رای داده با افرادی که به ماندن حزب رای داده در چیست؟ آیا واقعا ننگ داشتن حزبی که از زمان تشکیلش حدود ۹۰ درصد اعضایش حالا به هر دلیلی صفوف آنرا ترک کرده آنچنان حیاتی است که نگهدارندگان آن بدون توجه به انتقادهای جدی که به ساختار حزب و سبک کارش وارد شده است با اشتیاق و نبردکنان در حفظ آن بکوشند و اعلام کنند که ناخالصیها در پیچ و خمهای مبارزه طولانی این حزب زدوده شده و آنچه که باقی مانده افراد خالص و مصمم به مبارزه کمونیستی میباشد؟ آیا واقعا این حزب آنچنان درگیر مبارزات و فعالیت کمونیستی است که افراد نافع و باصلاح ناخالص را یارای تحمل نیست و نفر نفر از پا و نفس میافتند؟

متأسفانه جواب تمام سؤالهای بالا مثبت نیست. یعنی قبل از اینکه نقدی بر بینش فکری افراد گریزان از حزب وارد باشد، به ساختار و سبک کار و مشغله‌های این حزب وارد است. در یک کلام این حزب نتوانست و نمیتواند مبارزان راه آزادی و برابری را دور خودش گرد آورد. متأسفانه هیچکدام از افرادی که آنچنان مشتاقانه چنین حزبی را ننگ میدارند. نخواستند به حزب خصلتی جزینده و نگهدارنده بدهند. در این مدت که بیشتر از هر زمانی حزب زیر نقد و فشار بوده است، هیچ فکری برای بیرون آوردن حزب از زیر این فشارها نشده است. مشغله‌های حزب عوض نشده ولی در عوض سنگر کومه‌له روز به روز محکمتر شده است. (محکمتر نه به معنای وسعت و شدت بخشیدن به مبارزه کومه‌له بلکه جا پای افراد).

۱۶٪ به ماندن کومه‌له در چهارچوب حزب رای داده است، رهبری تشکیلات به جای جدی گرفتن این مسئله و به جای گوش دادن به نظرات این عده و بدون اینکه خم به ابرو بیاورد،

با خوشحالی طبل پیروزی را به صدا در میاورد. رهبری تشکیلات آنچنان خوشحال و سر مست از پیروزی است که فراموش میکند که زمان برگزاری کنگره ۸ حزب، قبل از کنگره ۱۰ کومه‌له است و در آن کنگره است که بایستی حزب اهمیت وجودی خود را به این ۱۶٪ ثابت کند. ولی رهبری با دور زدن کنگره هشتم حزب جواب دادن نهایی به افراد مخالف حزب را به کنگره دهم کومه له موکول میکند.

رهبری تشکیلات جدا از اعلام این پیروزی غمگین حامل يك پیام شادی نیز هست : گویا دوران انتظار در حال سر رسیدن است و به این زودیها با هماهنگی کامل با حزب دمکرات بساط جمهوری اسلامی را برخواهند چیدو آنوقت است که کار ما شروع خواهد شد و با استفاده از همین حزب موجبات کسب قدرت سیاسی طبقه کارگر و خط رادیکال و کمونیست را فرا خواهند آورد، بدون اینکه در این طرح وسیع و برق آسا جایی برای همسنگران قدیمی خود در نظر گرفته باشند. به این مناسبت جا دارد که به این رهبری کاردان تبریک گفته شود و همزمان به آن توصیه شود که کمی از این ژست کوتاه بیاید و این آشفته بازار حزبی را قبل از اجرای هر طرحی جمع کند. چون برای اجرای چنین طرحهایی به ماتریال فراوان و افراد بیشتری احتیاج است .